

## بررسی اصل مسئولیت مشترک دولت‌ها در حقوق بین‌الملل محیط زیست و رابطه آن با جایگاه قاعده انصاف در حقوق ایران

نویسندگان: میر حسن ریاضی<sup>۱</sup> - علی فقیه حبیبی\*<sup>۲</sup> - علی مشهدی<sup>۳</sup> - منصور پور نوری<sup>۴</sup>

۱ - دانشجوی دکترای حقوق محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲ - دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران، (مسئول مکاتبات.)

۳ - دکترای حقوق عمومی، دانشیار و عضو هیات علمی، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران

۴ - دکترای حقوق بین‌الملل، استادیار و عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران مرکز)، تهران، ایران

### چکیده

اصل مسئولیت‌های مشترک اما متمایز به عنوان یک تکنیک بسیار ظریف به دولت‌ها کمک کرده است تا برای تصویب چندین کنوانسیون بین‌المللی محیط زیست و در نتیجه اجرای حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین‌المللی زیست محیطی گرد هم آیند. تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت از محیط زیست در بسیاری از اسناد الزام آور و غیر الزام آور حقوق بین‌الملل محیط زیست تصریح شده است که می‌توان آن را سرآغاز اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ دانست. انصاف در حوزه‌های قضایی تابع کامن لای انگلیسی، به مجموعه‌ای از قواعد کلی اطلاق می‌شود که «بر همه قوانین حکومت دارند» همه قوانین مدنی از آن ناشی می‌شوند و بنیاد نظام حقوقی کامن لا را تشکیل می‌دهد.

در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی سعی در بررسی اصل مسئولیت مشترک دولت‌ها در قوانین بین‌المللی محیط زیست و رابطه آن با جایگاه قاعده و اصل انصاف در حقوق ایران شده است. سؤال اساسی این است که اصل مسئولیت مشترک دولت‌ها در قوانین بین‌المللی محیط زیست چه رابطه‌ای با قاعده و اصل انصاف دارد در نتیجه حاصله حاکی از این است که انصاف توسط هیچ قانون دولتی تأثیر نمی‌پذیرد و همه چیز است، حتی فراتر از قانون. انصاف به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد به صلاح دید خود عمل کنند؛ و عدالت را در مطابقت با قانون طبیعی اعمال کنند. همچنین انصاف سه نقش را ایفا می‌کند و هر سه نقش در رابطه با قانون و در مقام اجرا توسط مقام قضایی تعریف شده است: گاه در تفسیر قانون، گاه در پرکردن خلأ قانون و گاه به جای قانون، از مصادیق و بازتاب «اصول عادلانه» است و جزء حقوق در سطح تصمیم‌گیری تلقی می‌شود و رجوع به آن مستلزم رضایت طرفین اختلاف نیست.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین‌الملل، محیط زیست، قاعده انصاف، حقوق ایران

### مقدمه

مفهوم مسئولیت مشترک اما متمایز؛ مفهومی جدید در حقوق بین‌الملل است. اگرچه اتخاذ رفتار ترجیحی برای کشورهای در حال توسعه یکی از ایده‌های اصلی نظم اقتصادی بین‌المللی در سازمان ملل متحد در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود، اما ایده یک نظم اقتصادی بین‌المللی جدید با تثبیت رویه‌های سرمایه‌داری در دهه ۱۹۹۰ از بین رفت. این واقعیت در کنار نگرانی‌های فزاینده در مورد تخریب محیط زیست در سراسر جهان، منجر به شکل‌گیری مفهوم

اصل همکاری بین‌المللی که در حقوق بین‌الملل محیط زیست تحت مشخصات یکی از شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی به شمار می‌رود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این چارچوب، بهره‌برداری منطقی و معقول از زمین و مدیریت منابع مشترک مانند: منابع آب فرا مرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی نیازمند همکاری بین‌المللی است.

را به شکل هنجار محدود نکنند، بلکه هنجار را مطابق با تغییرات آن در طول زمان و با در نظر گرفتن شرایط حاکم، تفسیر و اعمال کند. این مورد و حقایق موجود، برای نزدیک شدن به عدالت و گرفتن نتیجه عادلانه این کار را انجام می‌دهد، زیرا باید مورد قبول همه قرار گیرد. مبهم بودن و انتزاع این قانون تا حد زیادی امکان برخورد منصفانه را فراهم می‌کند.

### ۱- مفاهیم و تعاریف

در این بخش مفاهیم تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱- تعریف مسئولیت و انواع آن

مسئولیت در لغت به معنای «مسئول بودن، تقسیم وظایف و آنچه که یک شخص مسئول است» می‌باشد (معین، ۱۳۹۰). همچنین به معنای «ضمانت، تعهد، تعهد به انجام کاری و کامل بودن» است (دهخدا، ۱۳۷۷).

مسئول<sup>۱</sup> در تعریف کلمه، از نظر حقوق مدنی، جزایی و اداری، به استیضاح و سؤال ترجمه شده است. در شاهنامه فردوسی بارها به جای مسئول، کلمه (به دار آویخته شده) آمده است. در منابع دیوان منوچهری کلمه «مسئول» به معنای گرفتار شده است. (یاوی، بهمنی، ۱۳۹۳).

واژه مسئولیت در حقوق روم و حقوق قدیم فرانسه وجود نداشته و در نوشته‌های گروتیوس و دوما که شامل متن ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه است از آن استفاده نشده است و از تعهد برای جبران خسارت استفاده کرده‌اند. در عوض، کلمه «خسارت» حتی در قانون مدنی فرانسه ۱۸۰۴ یا قانون جزایی ۱۸۱۰ وجود ندارد. این واژه تنها از اواخر قرن هجدهم در زبان‌های اروپایی رایج شد و در قرن نوزدهم راه خود را از اخلاق به قانون باز کرد. با وجود این ریشه‌ها، سابقه بسیار طولانی در زمینه حقوق و اخلاق دارد و سیسرو بارها در دفاع از آن استفاده کرده است. از اواخر قرن سیزدهم که حقوق، تابع دین و اخلاق شد، اصطلاح «مسئول» در اخلاق دینی رایج شد، یعنی کسی که مسئول زندگی و اعمال خود در پیشگاه خداوند است بعدها در سیر اخلاق

جدیدی به نام «توسعه پایدار» شده است. در سازمان ملل متحد، مفهوم توسعه پایدار تا حد زیادی برای هماهنگ کردن دیدگاه‌های متفاوت کشورهای صنعتی و در حال توسعه در مورد اهمیت جریان‌سازی مسائل زیست‌محیطی در سیاست‌های اقتصادی پذیرفته شده است.

(Caney, 2018). در همین راستا، اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ بر مشارکت عادلانه جهانی از یک سو و توجه به نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه از سوی دیگر به منظور دستیابی به این هماهنگی مشترک تاکید دارد. بدین ترتیب در شکل‌گیری این مشارکت و همکاری عادلانه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مفهوم اولیه نقش می‌بندد. این اصل که ریشه در مفهوم "میراث مشترک - مسئولیت مشترک اما متفاوت بشریت" دارد، نمود عینی اصل کلی "عدالت" در حقوق بین‌الملل که شامل مسئولیت مشترک کشورها در حمایت از محیط زیست در سطح ملی است. تعهدات منطقه‌ای و جهانی و در عین حال وضعیت متفاوت آنها با در نظر گرفتن شرایط متفاوت و خاص کشورها در ایجاد مشکلات زیست محیطی و توان فنی و اقتصادی آنها برای حل مشکلات زیست محیطی است. در این رویکرد، اساس سیاست، رعایت اصول اخلاقی از جمله انصاف و عدالت و اصول عقلانی مانند عقل عملی است که اهمیت عدالت را در جامعه بشری نشان می‌دهد. فقهای اسلامی معتقدند که عدالت یک مفهوم حقوقی غربی است که مبتنی بر اندیشه عدالت و اصلاح عرف و وجدان است و مشروعیت آن ناشی از اعتقاد به قانون طبیعی یا عدالت عالی است. استحسان در شریعت اسلامی و انصاف در حقوق غربی از انصاف در اصطلاح عرف و وجدان الهام گرفته شده است. زمانی که اعمال قاعده حقوق عینی منجر به نتیجه ناعادلانه شود، هم جایجایی و هم فرار را به همراه دارد.

عدالت مندرج در قانون زمانی معنا پیدا می‌کند که قاضی هنگام تفسیر یا اعمال مقررات مربوطه، خود

<sup>1</sup> - (responsible)

مناسب در پی ارتکاب عمل مجرمانه است. مسئولیت مدنی نیز در قوانین ما این گونه تعریف شده است: در تمام مواردی که شخصی مجبور به جبران خسارت دیگری شده است گفته می‌شود که نسبت به او «مسئولیت مدنی» دارد. به عبارت دیگر، مسئولیت مدنی زمانی به وجود می‌آید که شخص ملزم به ترمیم عواقب خسارت وارده به دیگران باشد. اعم از اینکه خسارات مذکور در اثر عمل مسئول یا تکالیف وی وارد شده باشد یا در اثر اشیاء و کالاهای تحت مالکیت یا تصرف وی. به عبارت دیگر مسئولیت مدنی مجموعه قوانین حاکم بر جبران خسارات ناشی از فعل یا ترک فعل شخص است (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸).

## ۲-۱- انصاف

طبق اصل ۷۹ اصلاحیه قانون اساسی «هیئت منصفه در جرایم سیاسی و مطبوعاتی در محاکم حضور دارند» مسلم است که هیأت منصفه مذکور مانند قضات، وظیفه مجریان قاطع قانون را ندارند. آنها برای قضاوت منصفانه ضروری نبودند، زیرا رأی دادن طبق قانون وظیفه تخلف ناپذیر قضات است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هیئت منصفه می‌تواند در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی بدون قانون، یعنی بر اساس عدالت، اظهار نظر کنند. علاوه بر مقاله ۲۳ قانون تأسیس دیوان عدالت، از جمله موازین قابل اعمال دیوان عدالت، «الزامات عدالت و انصاف» را ذکر کرده است. پیش‌بینی فوق صحت این نتیجه را تأیید می‌کند که بر اساس قوانین کشور ما عدالت، مفهومی غیر از عدالت دارد و اگر غیر از این بود، در ماده مذکور یکی از دو اصطلاح عدالت یا عدالت قید شده است. با قضاوت از عنوان قانون مذکور، مسلم است که کلمه «انصاف» بعد از کلمه «عدالت» عمدی بوده است. همانطور که در بالا توضیح داده شد، براساس قوانین کشور ما، عدالت مفهومی متفاوت با عدالت دارد و از آنجایی که عدالت در متون حقوقی تعریف نشده است، می‌توان همان معنایی را که عموماً پذیرفته شده است، به دست آورد. عدل به معنای عدالت طبیعی است، یعنی تصمیمی که از نظر وجدان رضایت بخش

غیر دینی وارد اخلاق عامیانه شد و خود را به معنای مسئولیت انسان در قبال وجدان خود که شامل قانون اخلاقی طبق فطرت و عقل می‌شود تثبیت کرد. در نهایت به معنای کسی که در برابر دادگاه مسئول نتیجه اعمال گناه و گناه خود است، وارد قانون شد. (بادینی، ۱۳۹۲).

در اصطلاح قضایی «وظیفه قانونی شخص جبران ضرری است که به دیگری وارد می‌شود، اعم از اینکه این ضرر ناشی از تقصیر خود او باشد یا در نتیجه فعالیت او» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۶۴۲). لازم به ذکر است که در رویه قضایی به جای مسئولیت از کلمه ضمانت برای اشاره به هر نوع مسئولیت مالی و کیفری استفاده می‌شود. مسئولیت، از جمله قانون مدنی. (تاجمیری، ۱۳۹۰).

مسئولیت اخلاقی، کیفری و مدنی انواع مختلفی دارد. مسئولیت اخلاقی، مسئولیتی است که انسان نسبت به خود یا خانواده یا جامعه در وجدان خود احساس می‌کند، بدون اینکه قانونگذار موضع دقیقی در این مورد داشته باشد. مسئولیت کیفری مسئولیتی است که به موجب آن مرتکب جرم به دلیل تخلف از هر یک از حدود الهی یا قوانین مربوط به نظم اجتماعی به یکی از مجازاتهای مقرر در قانون محکوم می‌شود و در نهایت مسئولیت قانونی یا مسئولیت مدنی که شخص در این مورد دلیلی دارد که تعهد قانونی را نقض کرده یا مسئولیت قراردادی را ملزم به جبران خسارت می‌کند. (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸).

مسئولیت در مفهوم حقوقی، الزام شخص به تحمل حکم قهری قانون در مورد رفتار خود است. با توجه به معنای لغوی ذکر شده، برخی از حقوقدانان ایرانی مسئولیت را به عنوان تکلیف شخص نسبت به اعمال و رفتار خود نسبت به مردم دانسته‌اند و ملاک وقوع این افعال و رفتارها، رفتاری است که موجب ضرر می‌شود (وحدتی شبیری، ۱۳۸۸).

مسئولیت در اصطلاح حقوقی به این معناست که شخص موظف به انجام یا خودداری از انجام عملی است، مانند تعهد عامل فعل زیانبار یا مرتکب به انجام تعهد قراردادی در ترمیم خسارت ناشی از عمل مذکور. یا تخلف و نیز به معنای اثبات مجازات

## الف - اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق هنجاری

مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت به طور گسترده در اسناد حقوق محیطی غیر الزام آور یا حقوق نرم منعکس شده است. بند هفتم-اعلامیه ریو (۱۹۹۲)

بیست سال بعد از نشست استکهلم در تاریخ ۳ تا ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲، نمایندگانی از ۱۷۲ کشور و ۶ سازمان بین‌الدولی وابسته به سازمان ملل متحد و حدود ده هزار نفر در این نشست شرکت کردند (کیس و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶).

این کنفرانس همچنین «نشست زمین» نام می‌گیرد و می‌توان ادعا کرد که یکی از پردستاوردترین نشست‌ها در زمینه زیست بوم می‌باشد. از دستاوردهای این نشست، تهیه پنج سند شامل اعلامیه اصول حفاظت از جنگل‌ها و جنگل‌داری که پیرامون مدیریت، حفاظت و توسعه پایدار جنگل‌ها می‌باشد که این بیانیه، از اسناد غیرالزام‌آور از اسناد نرم محسوب می‌گردد. جنگل‌ها از نظر اکولوژیکی حائز اهمیت فراوان و دارای روندهای بسیار پیچیده می‌باشند و منبع بسیار مهمی برای رفع نیازهای بشریت و زیست‌بوم محسوب می‌گردند. طبق اصول این اعلامیه، کشورها باید جنگل‌های واقع در قلمروی ملی خود را در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار از طریق اتخاذ و تعیین قوانین حفظ نمایند. بسیاری از مفاد اصول جنگل را می‌توان به‌عنوان رهنمودهایی در راهبردهای مدیریت جنگل وارد نمود و همچنین ملاحظاتی را در زمینه حفاظت و مدیریت زیست‌بوم خاکی رعایت کرد. این سند، در مقدمه، هدف اصلی اصول اعلامیه را مدیریت صحیح و یکپارچه بر مبنای توسعه پایدار طبق مفاد دستور کار ۲۱ ذکر می‌کند. از دیگر دستاوردهای نشست ریو، سند مهم پرکاربرد و مفید دستور کار ۲۱ می‌باشد که برنامه‌ای اجرایی برای قرن ۲۱ شامل ۴۰ فصل کامل و مفصل در زمینه تمام ابعاد زیست‌بوم و ۱۱۵ موضوع ویژه در ۸۰۰ صفحه می‌باشد که موضوعات آن در چهار بخش عمده اصلی قرار می‌گیرد. یکی بعد اجتماعی اقتصادی مانند زیستگاه‌های طبیعی، بهداشت، جمعیت، الگوهای

باشد. قضاوت مبتنی بر عدالت در عین حال می‌تواند عادلانه باشد و این در جایی اتفاق می‌افتد که حکم قانون وجدان را راضی کند و در جایی که حکم قانون راضی کننده نباشد عدالت از آن حذف می‌شود.

## ۲- جایگاه اصل در حقوق بین‌الملل محیط زیست

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد که از مفهوم مشترک بشریت نشأت گرفته است ماهیت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت ریشه در مفهوم « میراث مشترک بشریت» دارد و می‌توان گفت که یکی از مظاهر خاص اصل انصاف در حقوق بین‌الملل است. این اصل تفاوت‌های تاریخی در سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در مشکلات زیست محیطی جهانی و توانایی‌های فنی و اقتصادی هر کدام برای حل مشکلات را مورد توجه قرار می‌دهد به دیگر سخن علی‌رغم مشترک کشورها در حفاظت از محیط زیست در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، تفاوت‌های مهمی میان تعهدات کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. در این راستا، اصل ۷ اعلامیه ریو اعلام می‌دارد که «دولت‌ها باید با روحیه مشارکت جهانی در نگهداری، حفاظت و احیاء سلامت و یکپارچگی اکوسیستم زمین با یکدیگر همکاری کنند. با عنایت به سهم متفاوت دولتها در تخریب محیط زیست جهانی آنها مسئولیت‌های مشترک اما متفاوتی به عهده دارند. نظر به فشار جوامع کشورهای توسعه یافته بر محیط زیست جهانی و تکنولوژی و منابع مالی که آنها در اختیار دارند، این دولتها بر مسئولیت خود در پیگیری توسعه پایدار تصدیق می‌کنند».

با توجه به این مطالب، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت از دو قسمت اصولاً متفاوت و در عین حال بهم وابسته تشکیل شده است:

## الف) مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق هنجاری

## ب) اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در معاهدات زیست محیطی

مصرفی، تولیدی و غیره بوده و دیگری بعد محافظت و مدیریت منابع، تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و دیگر گروه‌های اجتماعی از قبیل اتحادیه‌های تجاری، زنان و جوانان و همچنین تدابیر اجرایی می‌باشد (کیس و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۹).

از نظر حقوق زیست‌بوم، فصولی مرتبط با بخش‌های مختلف مانند جو، تنوع گونه‌های مرتبط با زیست‌بوم، اقیانوس‌ها، منابع آب شیرین، علوم ژنتیک، مدیریت فرآورده‌های شیمیایی و سمی و دفع مواد زائد و خطرناک مطرح می‌گردد و فصل اسناد حقوق بین‌الملل، بر جنبه‌های خاص انعقاد معاهده اصرار دارد. در حقیقت، دستور کار ۲۱ الگویی مطلوب برای توسعه و افزایش کیفیت زندگی نسل حاضر می‌باشد، بدون آنکه نسل‌های آینده را نیز از منابع طبیعی محروم گردند. این دستور کار، در کنار مسائل اقتصادی، به مسائل اجتماعی و مرتبط با زیست‌بوم نیز پرداخته و برای هر یک راه‌حل‌هایی را ارائه می‌دهد.

دست‌آورد بعدی نشست ریو، اعلامیه ریو پیرامون زیست‌بوم و توسعه بود که در ۳۰ ژوئن ۱۹۹۲ تصویب و قرائت گردید. در این اعلامیه، ابتدا انسان را در کانون اهداف توسعه پایدار قرار داده و حق بر زیست‌بوم سالم را برای انسان یادآوری می‌کند. در اصل سوم این اعلامیه ذکر گردیده است که حق توسعه باید به نحوی اعمال گردد که همراه با آن، نیازهای نسل حاضر و نسل‌های آینده در زمینه توسعه و زیست‌بوم برآورده شود. در این اعلامیه در اصل ششم، آسیب‌پذیری زیست‌بوم را متناسب با نیازهای ویژه کشورهای در حال توسعه توصیف کرده و ذکر می‌کند که باید در اولویت خاص قرار بگیرند. توجه به وضع قوانین مرتبط با زیست‌بوم مناسب، تنظیم الگوهای مصرف پایدار و حل مشکلات مرتبط با زیست‌بوم، از نقاط عطف مهم این اعلامیه می‌باشد. اعلامیه ریو دارای چند اصل با ویژگی‌های صریح حقوقی و منحصر به فرد می‌باشد. از ویژگی‌های جدید این اعلامیه، پشتیبانی کردن از اصول و قواعد موجود، فرموله کردن آن‌ها در یک زمینه وسیع و اعلام برخی از آن‌ها، به وجود آمدن

اصولی نوپا مانند اصل احتیاطی که در اصل پانزدهم این اعلامیه ذکر گردیده است، اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز یعنی اصل شانزدهم و ارزیابی آثار مرتبط با زیست‌بوم در اصل هفدهم آن قرار دارد، می‌باشد. دو سند مهم دیگر نیز از دست‌آورد‌های نشست ریو هستند و در نوع خود بسیار مهم تلقی می‌گردند، زیرا دو مقاله‌نامه بوده و هر دو آن‌ها از موضوعات بسیار مهمی برخوردارند. یکی مقاله‌نامه ساختاری ملل متحد درباره تغییرات آب و هوا (اقلیم) می‌باشد که همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر گردید و با توجه به قطعنامه ۴۳/۵۳ که زمینه‌ساز مهمی برای نگرش این مقاله‌نامه به حساب می‌آید، در بستر مناسبی که نشست ریو برای طرح مسائل مرتبط با زیست‌بوم فراهم کرده است فرصتی خوبی به وجود آمد تا این مقاله‌نامه به مرحله نگرش درآمده و برای امضاء، مقابل کشورهای قرار گیرد. در ژوئن ۱۹۹۲ متن مقاله‌نامه جهت امضاء آماده گردید و در مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد. این مقاله‌نامه همان‌گونه که از سیاق عبارت پیداست، یک مقاله‌نامه ساختاری می‌باشد به این معنا که مهم‌ترین ویژگی آن این است که قانون‌گذاری در این مقاله‌نامه صورت نگرفته و راهنمایی برای قانون‌گذاری و نحوه عملکرد برای کشورهای عضو آن بوده و در خدمت دول عضو قرار می‌گیرد. مهم‌ترین هدف این مقاله‌نامه، دستیابی به تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر می‌باشد که تأثیرات منفی بسزایی دارند. در مقدمه این مقاله‌نامه، با تأکید و یادآوری قطعنامه‌های موجود و اثرات سوء تغییرات آب و هوا (اقلیم)، به‌عنوان دلایلی که انگیزه‌هایی برای نگرش این معاهده به حساب می‌آمدند، مانند آب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها، بیماری‌ها و سایر مشکلاتی که برای بشریت به وجود آمده بود، مسئله مهم حفاظت از اقلیم جهانی را به یاد می‌آورد. این مقاله‌نامه شامل پروتکل کیوتو که در سال ۱۹۹۷ تکمیل‌کننده آن بود نیز می‌شود و همانند مقاله‌نامه وین و پروتکل مونترال، تأکید بر مبنای توسعه‌یافتگی کشورها دارد و بر مبنای آن، اصل مسئولیت مشترک است اما تفاوت دارد. تعهدات خاص در جهت به

ارزش‌های نمادین استفاده می‌گردیده است. در اصل، تنوع زیستی، واحد پیونددهنده مابین ژن‌ها، گونه‌ها و اکوسیستم‌ها می‌باشد و این مفهوم شامل تمامی ژن‌های گیاهان وحشی تا دریا‌های عمیق و قطب جنوب می‌شود (کیس و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۰۳) «مقاله‌نامه تنوع زیستی» تنوع زیستی را اینگونه تعریف می‌کند: «تنوع زیستی به معنای قابلیت تمایز بین ارگانیسم‌های زنده از هر منبع که شامل اکوسیستم‌های زمینی، اکوسیستم‌های آبی و همچنین ترکیبات اکولوژی که بخشی از اکوسیستم‌ها را تشکیل می‌دهند، می‌باشد». این مفهوم، تنوع در درون گونه‌ها، بین گونه‌ها و تنوع اکوسیستم‌ها را شامل می‌شود. همان‌طور که ذکر گردید، این مقاله‌نامه، تنوع را در سه بخش اصلی یعنی تنوع در ژن‌ها، گونه‌ها و اکوسیستم‌ها می‌شناسد. اهمیت حفظ تنوع زیستی را باید در دلایل علمی، اقتصادی، صنعتی و اخلاقی یافت. از حیث دلایل اخلاقی بسیاری از ادیان توجه ویژه‌ای به احترام به طبیعت و حیوانات قائل بودند کما اینکه این موضوع را به وضوح می‌توان در قرآن کریم و داستان حضرت نوح (ع) مشاهده کرد (کیس و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۱۱). اهمیت حفظ گونه‌ها در کشاورزی نقش ویژه‌ای ایفاء می‌کند، به این صورت که اغلب محصولات برای باروری، به وجود حشرات نیازمند هستند. به عنوان نمونه، گرده افشانی‌ای که توسط زنبور و یا پروانه‌ها و یا خفاش‌ها صورت می‌گیرد و یا در صنعت، استفاده از بعضی گیاهان وحشی برای تولید روغن‌های گیاهی و یا تولید کلروهیدرات‌ها نقش پررنگ‌تری به وجود تنوع زیستی می‌بخشند، می‌توان گفت ارزش واقعی اکوسیستم و تنوع زیستی جهانی صرفاً زمانی مشخص می‌گردد که عملاً نابود شده باشد. تهدید تنوع زیستی را می‌توان در خسارات متداولی که از انقلاب صنعتی از قرن نوزدهم به بعد حاصل گردید، مشاهده کرد. تا اواسط قرن بیستم این تخریبات گسترده‌گی چندانی نداشتند و به‌طور عمده از سال ۱۹۵۰ می‌باشد که بسیاری از گونه‌ها رو به انقراض رفته و با این تهدید روبه

حداقل رساندن میزان انتشار دی‌اکسید کربن و سایر گازهای گلخانه‌ای و تعهد تأمین مالی لازم برای کشورهای در حال توسعه، از اصلی‌ترین اهداف این مقاله‌نامه می‌باشد.

براساس این مقاله‌نامه، کشورهای توسعه‌یافته باید سه تعهد مهم را انجام بدهند:

۱. تأمین منابع جدید و اضافی مالی در خصوص هزینه‌های مربوطه برای اخذ اقدامات لازم؛

۲. انتقال تکنولوژی‌های لازم به کشورهای در حال توسعه؛

۳. کمک به کشورهای در حال توسعه در جهت جبران آثار متعاقب تغییرات آب و هوا

این مقاله‌نامه ساختاری، با توافق پاریس سال ۲۰۱۵ بعد از بیست و یکمین نشست اعضاء تکمیل شد<sup>۱</sup> و می‌توان آن را از مهم‌ترین توافقات مرتبط با زیست‌بوم به حساب آورد. مهم‌ترین هدف در این توافق، جلوگیری از افزایش دمای زمین به بیش از دو درجه سانتی‌گراد قرار گرفت و محوریت اصلی آن نیز کاهش و تثبیت گازهای گلخانه‌ای بود. در این مقاله‌نامه توجه خاصی به بازار جهانی شد زیرا از مهم‌ترین مسائلی که کشورهای کمتر توسعه‌یافته با آن مواجه هستند، مسائل اقتصادی و توسعه در این زمینه می‌باشد.

باید گفت مهم‌ترین مبنای تدوین توافق پاریس، انصاف درون نسلی می‌باشد که تأثیر بسزایی در روند توسعه دارد. می‌توان اینگونه بیان کرد که تعهداتی که کشورهای توسعه‌یافته براساس این مقاله‌نامه بر عهده گرفته‌اند بر مبنای انصاف درون نسلی می‌باشد. در این مقاله‌نامه همچنین شیوه‌ها و ساختارهای کمک‌های مالی نیز تنظیم گردیده و مبنای اقتصادی بسیاری در راستای تنظیم و تخفیف اثرات تغییرات اقلیم پایه‌گذاری شده است. مقاله‌نامه دیگری که حائز اهمیت بسیار بوده است، مقاله‌نامه تنوع زیستی<sup>۲</sup> سال ۱۹۹۲ می‌باشد. تنوع زیستی در ابتدا جنبه محدودی از جانداران را شامل می‌گردید. جنبه محدودی که یا برای انسان و بشریت منفعت اقتصادی داشتند و یا اینکه از آن‌ها به‌عنوان

<sup>2</sup> CBD: Convention on Biological Diversity.

<sup>1</sup> Conference of the parties (cop)

را در اجرای اهداف تا به امروز داشته است. هدف اصلی این انجمن ارائه رهنمودهای علمی و تدوین برنامه‌های اقدام جهانی می‌باشد. اولین جلسه بین‌المللی این انجمن در سال ۱۹۹۳ تشکیل گردید و اهم مباحث جلسات برگزار شده شامل ارائه گزارش ملی کشورها، انتقال تکنولوژی سالم مرتبط با زیست‌بوم، بررسی منابع آبی به‌ویژه منابع آب شیرین، مبارزه با جنگل‌زدایی، مبارزه با بیابان‌زایی و خشکسالی و حفظ تنوع زیستی و زیست‌بوم و مهم‌ترین آن‌ها اجرای دستور کار ۲۱ بود.

علاوه بر بیانیه فوق‌الذکر ریو، این اصل در بیانیه کنه‌هاگ ۱۹۹۵ مورد تأکید قرار گرفته است. بند ۲۸ این اعلامیه اعلام می‌دارد که اتخاذ تدابیر و برنامه‌های توسعه اجتماعی بر عهده هر کشور و شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. هر کشوری باید در نظر بگیرد که بسیاری از مواد اعلامیه، بر ضرورت کمک به کشورهای در حال توسعه برای حفظ محیط زیست خود تأکید می‌کنند. علاوه بر این، اعلامیه لایپزیگ در مورد حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی در سال ۱۹۹۶ بیان می‌کند که کشورها مسئولیت فردی و مشترک برای حفظ منابع ژنتیکی گیاهی به منظور دستیابی به امنیت غذایی دارند و کشورها را ملزم می‌کند تا شرایط مساعد و عادلانه را برای آنها فراهم کنند. برنامه اقدام جهانی ۲۰۰۷ در مورد منابع ژنتیکی حیوانات، کشورهای توسعه یافته را تشویق می‌کند تا به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار کمک‌های مالی ارائه کنند. این اصل در بیانیه استانبول در مورد زیستگاه انسان نیز مجدداً تأیید شده است.

به دنبال این اعلامیه، اصل مسئولیت مشترک اما متمایز به‌طور برجسته در اعلامیه ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت. در واقع اجلاس جهانی توسعه پایدار بحث‌های زیادی در مورد راه‌حل‌های عملی برای پیشرفت در زمینه توسعه پایدار داشت. اصل مسئولیت مشترک اما متمایز ۶ بار در برنامه اقدام

روگردیدند. از طرفی، بهره‌برداری‌های بیش از حد، تخریب زیستگاه‌های طبیعی به اشکال مستقیم و یا غیرمستقیم، حذف شرایط اکولوژیکی لازم و یا ورود گونه‌های غیربومی به طرق مختلف و از همه مهم‌تر تغییرات اقلیم با انواع نتایج آن، دغدغه حفظ تنوع زیستی را برای بشریت به‌طور روزافزون به وجود آورد. پیشتر به راهبرد حفاظت جهانی اشاره گردید که این راهبرد سه هدف عمده را تعریف می‌کند: نگهداری فرآیندهای ضروری اکولوژیکی، حفاظت از تنوع ژنتیکی و استفاده پایدار از گونه‌ها و اکوسیستم‌ها. این اهداف مذکور، سنگ‌بنای مقاله‌نامه تنوع زیستی سال ۱۹۹۲ گردیدند. اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت، در سال ۱۹۸۱، طرح انعقاد این مقاله‌نامه را مطرح کرد و در هفدهمین نشست این اتحادیه در سال ۱۹۸۸ این پیشنهاد به تأیید رسید و پیش‌نویس مواد آن در ژوئن ۱۹۸۹ کامل گردید. همچنین بروتلند در گزارش ویژه خود، پیشنهاد این طرح را برای دولت‌ها ارائه کرده و متن این مقاله‌نامه پس از گذر از مراحل مختلف، در کنفرانس زیست‌بوم و توسعه<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۱ توسط ۱۵۳ دولت امضاء شد. مقاله‌نامه در اهداف و اصول خود دو هدف آرمانی را دنبال می‌کند:

۱. تقسیم عادلانه و منصفانه ناشی از منافع در بهره‌برداری از منابع ژنتیک؛
۲. حفاظت از تنوع زیستی و استفاده پایدار به معنی استفاده از اجزای تشکیل دهنده زیستی به اندازه و گونه‌ای که در درازمدت سبب کاهش تنوع زیستی نگردد و توانایی آن را برای رفع نیازهای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ کند. حفاظت از تنوع زیستی در این مقاله‌نامه، هدفی می‌باشد که بعد از حفظ لایه بیوسفر، به‌عنوان دغدغه مشترک بشریت یاد می‌شود. این مقاله‌نامه، با پروتکل ایمنی زیستی در سال ۲۰۰۰ کامل شد. لازم به ذکر است انجمن توسعه پایدار سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> توسط مجمع عمومی در دسامبر ۱۹۹۲ برای تضمین اجرا و پیگیری اهداف سازمان در کنفرانس ریو تأسیس گردید. این انجمن از ابتدای تأسیس، نقش پررنگی

<sup>2</sup> CSD: Commission on Sustainable Development.

<sup>1</sup> UNCED.

این پروتکل به وضعیت خاص کشورهای در حال توسعه می‌پردازد و به آنها مهلتی ۱۰ ساله برای انجام تعهدات خود می‌دهد و تاکید می‌کند که دستیابی به اهداف پروتکل منوط به همکاری مشترک مالی و انتقال فن آوری از کشورهای توسعه یافته است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵) کنوانسیون چارچوب ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی، از اصل مسئولیت مشترک اما متمایز استفاده بیشتری کرد. این کنوانسیون تغییرات آب و هوایی را به عنوان دغدغه مشترک بشریت توصیف می‌کند که به بقای انسان و سایر موجودات بستگی دارد. در عین حال، تفاوت‌های خاص و نیازهای اساسی کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی پایدار و ریشه‌کنی فقر را شناسایی می‌کند و به وضوح در مقدمه این اصل را ذکر می‌کند که «حل مشکل مستلزم همکاری گسترده کشورهای مختلف بر اساس اصل اشتراک‌گذاری مشترک است.» همچنین بند اول ماده ۳ مجدداً با همین شرایط به این اصل اشاره کرده و از طرفین می‌خواهد با توجه به مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت و قابلیت‌های خالی خود از سیستم اقلیمی محافظت کنند و توسعه را نیز ارتقا دهند و کشورها را مسئول مبارزه با تغییرات آب و هوا می‌کند. آغاز شکل‌گیری مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت را می‌توان گفت به این کنوانسیون باز می‌گردد.

پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ نیز از این اصل در مقررات خود استفاده کرد. ماده (۱۰) به مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت طرفین اشاره دارد. همانطور که قبلاً ذکر شد، این پروتکل ۳ دسته تعهدات را برای کشورهای توسعه یافته با اقتصادهای در حال گذار و در حال توسعه تعیین کرده است. کشورهای صنعتی با تعهدات خاصی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و ارائه کمک‌های مالی و فنی و دولت‌های توسعه یافته با اقتصادهای در حال توسعه تعهدات کمتری برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. (منهای کمک‌های مالی و فنی بیشتر)، در حالی که کشورهای در حال توسعه هیچ تعهدی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای ندارند.

ژوهانسبورگ ذکر شده است. در مقدمه این برنامه، دولت‌ها موافقت کردند که گام‌های مناسبی را در همه سطوح برای همکاری بین‌المللی در اجرای اصول اعلامیه ریو بردارند. در بند ۸۱ اصل مسئولیت تضامنی اما متمایز به وضوح تعریف شده و به طور گسترده تفسیر شده است. (معروفی، عبداللهی، ۱۳۸۹).

#### ب. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در معاهدات زیست محیطی

همانطور که در بالا ذکر شد، مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت از مفهوم "میراث مشترک بشریت" ناشی می‌شود. نمونه‌های زیادی از این مفهوم را می‌توان در معاهدات زیست محیطی مشاهده کرد. کنوانسیون بین‌المللی ماهیگیری دریاهای آزاد اقیانوس آرام شمالی (۱۹۵۲) یک رژیم حفاظتی را برای رفع نیازهای مشترک بشر ایجاد کرد. بخش ۸ ماده ۲ کنوانسیون بهره برداری از ماهی را به عنوان دغدغه مشترک همه طرف‌ها توصیف می‌کند. معاهده اصول ناظر بر اکتشاف و بهره برداری از فضا، از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی، فضای فراتر از جو و ماه را به عنوان منطقه‌ای متعلق به تمام بشریت به رسمیت شناخت. کنوانسیون رامسر (۱۹۷۱) در معرفی خود، پرندگان آبی را به عنوان یک منبع بین‌المللی معرفی کرد. در معرفی کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، معروف به کنوانسیون میراث جهانی، از محیط زیست به عنوان میراث جهانی بشریت یاد شده و در ماده ۶، وظیفه جامعه بین‌المللی برای همکاری در حفاظت از این میراث بیان شده است (عبداللهی، معروفی، ۱۳۸۹).

می‌توان چنین نظر داد که سرآغاز شکل‌گیری مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت به این کنوانسیون باز می‌گردد.

پیرو این کنوانسیون، پروتکل ۱۹۸۷ مونترال در مورد موادی که لایه اوزون را تخریب می‌کنند، در مقدمه خود اذعان می‌کند که قوانین خاصی برای برآوردن نیازهای کشورهای در حال توسعه مورد نیاز است، از جمله قوانین مربوط به منابع مالی اضافی و دسترسی به فناوری. ماده (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵)



کشورهای توسعه یافته باید منابع مالی کافی برای کشورهای در حال توسعه برای اجرای کنوانسیون فراهم کنند. لازم به ذکر است که بند ۴ ماده ۲۰ انجام تعهدات کشورهای در حال توسعه را منوط به دریافت این کمک از کشورهای توسعه یافته دانسته است. همچنین در بند ۵ ماده ۲۰ بر لزوم توجه کشورهای توسعه یافته به جایگاه کشورهای کمتر توسعه یافته در تامین مالی و انتقال فناوری تاکید شده است.

در معاهده بین المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، منابع ژنتیکی برای غذا و کشاورزی به عنوان یک نگرانی مشترک برای همه کشورها شناخته شده است. ماده ۷ این معاهده همکاری بین المللی را برای تقویت ظرفیت و قدرت کشورهای در حال توسعه به رسمیت می شناسد. ماده ۸ نیز طرفین را موظف به انتقال اطلاعات و فناوری به کشورهای در حال توسعه و در حال گذار می داند و در بند ب ماده (۲) بند (۱۳) نیز آمده است که این انتقال فناوری باید در شرایط مساعد و عادلانه انجام شود و رعایت شود. کنوانسیون استکهلم در مورد آلاینده های آلی پایدار که در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسید، تصریح می کند که طرفین باید نیازها و شرایط کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای دارای اقتصاد در حال گذار را در هنگام تصمیم گیری در نظر بگیرند. بند ۲ ماده ۱۲ طرفین را ملزم می کند که برای انجام تعهدات خود به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار کمک های فنی مناسب ارائه دهند. پروتکل ۱۹۹۶ کنوانسیون لندن برای جلوگیری از آلودگی دریا با ریختن زباله و سایر اشیاء نیز بر الزام انتقال فناوری از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار تاکید دارد.

کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل درباره کنترل نقل و انتقال فرا مرزی پسماندهای خطرناک و دفع آنها<sup>۱</sup> صادر کننده اصلی پسماندهای خطرناک را کشورهای توسعه

در مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با بیابان زایی، طرفین اذعان دارند که بیابان زایی و خشکسالی جنبه جهانی دارد زیرا بر تمام مناطق جهان تأثیر می گذارد. بر اساس ماده ۳ کنوانسیون، نیازها و شرایط کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته باید مورد توجه قرار گیرد. بر اساس بند ب ماده (۲۴)، طرفین باید به موقعیت کشورهای در حال توسعه درگیر در تجارت بین المللی، پرداخت بدهی و قراردادهای بازاریابی توجه ویژه ای داشته باشند. در جریان اجرای کنوانسیون معرفی می شوند و ماده ۵ مسئولیت تضامنی همه طرفین را تعیین می کند. در ضمن ماده ۶ مسئولیت کشورهای توسعه یافته را تعیین می کند. این تعهدات شامل قانون گذاری برای کمک مالی از منابع دولتی به کشورهای در حال توسعه، تشویق حمایت مالی از منابع خصوصی و غیردولتی و انتقال فناوری به همه طرفها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. تعهد به توسعه تحقیقات، خشکسالی بیابان زایی رخ می دهد و این کنوانسیون همچنین شامل تعدادی ضمیمه است که تعهدات منطقه ای مختلف را مشخص می کند، برای مثال ماده ۴ ضمیمه یک کنوانسیون تعهدات خاصی را برای منطقه آفریقا تعیین می کند.

در حالی که ماده ۵ متضمن تعهداتی برای کشورهای توسعه یافته در کمک به کشورهای آفریقایی عضو می باشد.

کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ حفاظت از تنوع زیستی را به عنوان یک دغدغه مشترک به رسمیت می شناسد و همه طرف ها را به همکاری در ارائه کمک های مالی و فنی تشویق می کند و بر وضع قوانین ویژه برای رفع نیازهای کشورهای در حال توسعه تاکید می کند. بند ۲ ماده ۱۶ تصریح می کند که طرف های توسعه یافته کنوانسیون باید دسترسی و انتقال فناوری را به کشورهای در حال توسعه با شرایط منصفانه و مطلوب فراهم کنند. ماده ۲۰ مسئولیت های روشتری را پیش بینی کرده است.

<sup>1</sup> . Basel convention on the control of transboundary movements of hazardous wastes and their disposal ۱۹۸۹.

یافته دانسته و برای آنها تعهدات بیشتری مقرر نموده است.

در عین حال، این کنوانسیون در جهت گیری تصمیم شورای حاکم بر برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، مبنی بر ممنوعیت انتقال زباله های خطرناک به سایر کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، به دلیل شرایط خاص این کشورها است. کشورها و ظرفیت محدود آنها برای مدیریت این زباله ها و نیاز به انتقال فناوری به این کشورها برای مدیریت صحیح این مواد با تشویق به انتقال فناوری های دوستدار محیط زیست برجسته شد. بند ۱۳ ماده ۴ نیز طرفین را موظف می کند امکان کاهش صادرات این مواد خطرناک به سایر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه را به صورت دوره ای بررسی کنند. از سوی دیگر، بند ۳ ماده ۱۰، طرفین را ملزم به همکاری با ارائه کمک های فنی به این کشورها برای اجرای تعهدات کنوانسیون می کند. در نهایت، ماده ۱۱ تصریح می دارد که طرفین در هنگام تصویب موافقتنامه در مورد اجرای اهداف کنوانسیون باید منافع کشورها را با در نظر گرفتن تحولات جاری در نظر بگیرند. مطالعه مقالات کنوانسیون های نقل شده دو نتیجه را به همراه دارد: اولاً، این اصل، به عنوان یک تکنیک بسیار ظریف، کمک زیادی به گرد هم آمدن دولت ها در تصویب بسیاری از کنوانسیون های بین المللی محیط زیست و در نتیجه، توسعه حقوق بین الملل محیط زیست کرده است. در واقع، نباید تردید داشت که در صورت عدم وجود حقوق و امتیازات ترجیحی ناشی از به رسمیت شناختن مسئولیت های مختلف برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، پایبندی آنها به این اسناد بعید خواهد بود. و ثانیاً علاوه بر کار فنی اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، از این اصل به عنوان یک اصل راهنما در کنوانسیون های مذکور استفاده شده است. در این اصل، اصل راهنما، اصل عدالت است. اعمال اصل به این معنا از یک سو منجر به شناسایی مسئولیت یا نگرانی مشترک در رابطه با موضوع و هدف خاص کنوانسیون و از سوی دیگر

به ایجاد موارد متفاوتی منجر شده است. شرایط محیطی، هنجارها و تعهدات، در واقع اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت برای توجیه تعهدات قراردادی کشورهای در حال توسعه در زمینه حقوق زیست محیطی، ایجاد تعادل در حل مشکلات جهانی محیط زیست، به تقویت توسعه پایدار کمک کرد در کشورهای در حال توسعه عملکرد بالا به نوبه خود نشان می دهد که اصل مسئولیت های مشترک اما متمایز صرفاً به عنوان روشی برای اجرای حاکمیت قانون در عرصه بین المللی مورد استفاده قرار نگرفته است و کاربرد آن به سمت تحمیل تعهدات قراردادی با محتوای متفاوت سوق یافته است.

### ۳- رابطه اصل انصاف با اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت کشورها

اصل انصاف مجموعه ای از اصول است که ارزش های یک نظام حقوقی را تشکیل می دهد. اصل انصاف بر سه نوع انصاف در چارچوب حقوق، انصاف فراحقوق و انصاف مغایر با حقوق است. انصاف در چارچوب حقوق، یک روش تفسیری از قانون در شرایط خاص را تشکیل می دهد و نه تنها مخالف حقوق نیست بلکه روشی جهت اجرای قواعد حقوقی تا حصول نتیجه منصفانه تلقی می شود. انصاف فراحقوق که به پیوند انصاف و حقوق نظر دارد هنگام ناکافی بودن قواعد حقوقی اعمال می شود. در این صورت قاضی یا داور می تواند جهت رفع خلاء یاد شده علاوه بر اجرای حقوق حاکم بر اساس انصاف نیز تصمیم بگیرد. انصاف مغایر با حقوق هنگامی اعمال می شود که متن حقوقی قابل اعمال نامناسب یا متعارض باشد و مرجع رسیدگی در این نوع انصاف به کنار گذاشتن قانون قابل اجرا و سپس اعمال اصل انصاف به مثابه یک اصل کلی حقوقی که جزئی از قواعد حقوقی است اقدام می کند اعمال این نوع انصاف نیز، برخلاف اصول عدل و انصاف که منجر به حذف یا لغو قواعد حقوقی می شود، نیازمند اجازه طرفین نیست. بنابراین در مقام مقایسه این سه نوع از اصل انصاف می توان

<sup>۱</sup>.UNEP

اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست است، مطابقت دارد.

عدالت در مفهوم برابری واقعی با اصل انصاف به عنوان راهنما، به دلیل نابرابری کشورهای مختلف، رفتار برابر صحیح نیست و از سویی، سهم کشورهای توسعه یافته به دلیل سابقه نقش خود و از نظر دیگر، کمبود ظرفیت‌ها و امکانات کشورهای کمتر توسعه یافته؛ سبب می‌شود که مسئولیت‌های بیشتری را به آنها محول شود. در واقع اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت با دید عادلانه و درک شرایط حاکم بر جهان کنونی که حاکی از نابرابری بین کشورهای جهان است بر مسئولیت متفاوت کشورها در حفاظت از محیط زیست تاکید دارد. از سوی دیگر، اگر به سوابق کشورهای تولیدکننده آلودگی توجه نشود و مسئولیت آنها نادیده گرفته شود، ناعادلانه است (Biazsca, 2013). این اقدام کاملاً نادرست است و این به دلیل تأثیر اصل انصاف در اصل مسئولیت مشترک است، اما انصاف عموماً به معنای اتخاذ رفتار مشابه یا برابر بین همه اعضا است، در حالی که انصاف به معنای در نظر گرفتن تفاوت در توزیع مسئولیت است. و از لحاظ برابری به خودی خود به معنای برابری و رفتار برابر نیست، بلکه به معنای عدم پذیرش رفتار تبعیض آمیز به دلایل غیر دفاعی است. برابری به طور کلی به عنوان یک اصل اساسی در هر نظام حقوقی پذیرفته شده است. جذابیت برابری در این است که با ایده ذاتی و مشترک عدالت ذاتی یا عادلانه (بی طرفانه) همگرا می‌شود و به طور کلی تمایل به ایجاد تفاوت عادلانه دارد. نکته قابل توجه در مورد اصل برابری این است که کاربرد و معنای آن ساده و بدون ابهام است و معمولاً رقابت بین اعضا را کاهش می‌دهد، انتظارات آنها را همسو می‌کند و به توافق می‌رساند، اما اصل انصاف عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری است.

مفهوم عدالت در فرهنگ لغت در مقابل ظلم و جور آمده و از آن دادگری و انصاف مستفاد شده است. اندیشمندان و صاحب‌نظران در مورد عدالت تدابیر برداشت‌های مختلفی ارائه داده‌اند که بیشتر به زمینه‌های فلسفی آن باز می‌گردد. اما امروزه اختلاف

گفت این سه راه اعمال انصاف یک گستره شناور از کمترین به بیشترین تفسیر از حقوق را تشکیل می‌دهند.

با توجه به این اصل به این نتیجه می‌رسیم که شکل‌گیری این اصل ناشی از شکاف عمیق بین کشورهای شرکت‌کننده و متولیان محیط زیست است. این به نوبه خود نگرش متفاوت نسبت به کشورهای مختلف را توجیه می‌کند. رفتارهای متفاوت نیز با هدف دستیابی به برابری و کاهش شکاف بین کشورها است. بر این اساس می‌توان اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را با وسیله‌ای مقایسه کرد که در جهت برابری کشورهای جهان گام برمی‌دارد. بنابراین مفهوم برابری بر مبنای فکری این اصل تأثیر می‌گذارد. برابری معانی و مفاهیم مختلفی را شامل می‌شود اما برای درک مفهوم برابری مطابق با اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست، بیان مفاهیم عدالت و برابری ضروری است (معرفی، ۱۳۹۰) اندیشمندان و صاحب‌نظران تدابیر و برداشت‌های مختلفی از عدالت ارائه کرده‌اند که عمدتاً به مبانی فلسفی خود باز می‌گردد. برای عدالت، اصول کلی خاصی وجود دارد، مانند: مساوات، یکنواختی و تناسب. انصاف نیز یک اصل اساسی عدالت است. می‌توان گفت از زمانی که جوامع هوشیار شده‌اند، مفهوم عدالت در آنها شکل برجسته تری به خود گرفته است. به طور کلی دو نظریه در مورد مفهوم عدالت وجود دارد. این دو نظریه عبارتند از عدالت به معنای برابری صرف و دیگری بیان به معنای برابری واقعی. مفهوم برابری ساده به معنای عدالت که بر تساوی ساده بین کشورها تاکید دارد، مشکلات اساسی را ایجاد می‌کند. یکی از بزرگترین مشکلات این نظریه، سختی و ماهیت غیر واقعی آن است. بر این اساس، این برداشت از عدالت ناعادلانه است، اما برداشت دوم از مفهوم عدالت که برابری واقعی نامیده می‌شود، مستلزم توجه به تفاوت‌ها و در نتیجه توجه به توزیع متناسب مسئولیت‌هاست. از سوی کشورها، این درک از عدالت با مفهوم برابری که اصل مسئولیت مشترک

سوابق کشورهای تولیدکننده آلودگی در نظر گرفته نشود و مسئولیت آنان را نادیده انگاشت. این عمل، کاملاً غیرمنصفانه است و این ناشی از تأثیر اصل انصاف در اصل مسئولیت مشترک است اما برابری معمولاً به معنای اتخاذ رفتارهای مشابه یا مساوی در میان تمامی اعضا می‌باشد، در حالی که انصاف به معنای در نظر گرفتن تفاوت‌ها در تقسیم مسئولیت‌ها و منافع می‌باشد. به این ترتیب، برابری فی‌نفسه به معنای رفتار برابر و مساوی نیست، بلکه به معنای عدم پذیرش رفتارهای تبعیض آمیز بر مبنای غیردفاع است. برابری و مساوات عموماً به‌عنوان یک اصل بنیادین در هر گونه ترتیبات حقوقی پذیرفته شده است. جذابیت مساوات در آن است که با ایده ذاتی و مشترک در خصوص عدالت ذاتی یا منصفانه (بی‌طرفانه) همگرایی داشته و به‌طور کلی تمایل به ایجاد تفاوت منصفانه دارد. نکته قابل توجه در مورد اصل برابری این است که کاربرد و مفهوم آن ساده و بدون ابهام است و معمولاً باعث کاهش رقابت در میان اعضا، هماهنگی در سطح توقعات آن‌ها و رسیدن به توافق می‌شود، اما اصل انصاف فاکتور بسیار مهمی در شکل‌گیری تعهدات معاهدات زیست‌محیطی چندجانبه است. می‌توان گفت که این اصل به‌خوبی در اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت تبلور یافته است. به نظر می‌رسد که این اصل به‌دنبال ایجاد برابری در میان کشورهای نیست زیرا، با کشورهای نابرابر نمی‌توان به شکل برابر رفتار کرد. اصل انصاف مستقیماً نمی‌گوید که چگونه حقوق و تعهدات باید در میان اعضا تقسیم گردد، بلکه بعد از بررسی‌ها و انجام مذاکرات فراوان با در نظر گرفتن شرایط خاص هر کشور، مذاکرات را برای رسیدن به توافق هدایت می‌کند. در واقع انصاف یک مفهوم میان حقوق و اخلاق است، اما تفاوت عمده بین مفهوم انصاف و عدالت آن است که عدالت بیشتر به رویه و آئین‌ها مربوط می‌شود در حالی که انصاف به محتوا و مضمون و ماهیت موضوعات تقسیمی می‌پردازد. مسئله‌ای که در جریان مذاکرات توافقات زیست‌محیطی بین‌المللی به خصوص تغییرات آب و هوایی مورد بحث قرار گرفت این بود که آیا بهتر

نظرها بیشتر در مورد معنی و چگونگی عملی ساختن عدالت در جامعه بشری است. در مورد مبنای عدالت به‌طور کلی سه دیدگاه وجود دارد. عده‌ای مبنای عدالت را دین تلقی می‌کنند. عده‌ای مبنای آن را اجتماع می‌دانند و گروهی نیز انسان را مبنای عدالت قلمداد می‌کنند. برای عدالت اصول عمومی مشخصی مانند: برابری، یکسانی و تناسب بر می‌شمارند. همچنین برابری نیز اصل جدانشدنی از عدالت است. می‌توان گفت از زمانی که جوامع به سمت آگاه شدن حرکت کردند، مفهوم عدالت نیز در آنان شکل پررنگ‌تری گرفت. به‌طور کلی دو تئوری در باب مفهوم عدالت مطرح است. این دو تئوری عبارت‌اند از عدالت به معنای برابری صرف و دیگری، عبارت به معنای برابری حقیقی. مفهوم برابری صرف به معنای عدالت که بر برابری و مساوات صرف بین کشورها تأکید دارد، دارای اشکالات اساسی می‌باشد. از مهم‌ترین اشکالات وارده بر این نظریه می‌توان به عدم انعطاف‌پذیری و غیرواقعی بودن اشاره کرد. بر این اساس این برداشت از عدالت، غیرمنصفانه است، اما برداشت دوم از مفهوم عدالت که تحت عنوان برابری حقیقی مطرح می‌باشد، خواستار در نظر گرفتن تفاوت‌ها شده و در نتیجه به توزیع - متناسب بار مسئولیت کشورها توجه دارد. این برداشت از عدالت، با مفهوم برابری که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست است به‌دنبال آن است، همخوانی و همسانی دارد. عدالت در مفهوم برابری حقیقی با راهنما قرارداد اصل انصاف، با توجه به نابرابری کشورهای مختلف، برخوردار یکسان را صحیح نمی‌داند و از این روی، سهم کشورهای توسعه‌یافته را به دلیل نقش تاریخی آنان و از سوی دیگر عدم توانایی و امکانات کشورهای کمتر توسعه یافته، بیشتر می‌داند و مسئولیت بیشتری را بر عهده آنان می‌گذارد. در حقیقت، اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت با نگاهی منصفانه و درک شرایط حاکم بر جهان کنونی که حاکی از نابرابری میان کشورهای جهان است، بر مسئولیت متفاوت کشورها در حفظ محیط زیست تأکید دارد. از سوی دیگر غیرمنصفانه می‌باشد اگر

نیست که به جای صحبت در مورد انصاف در مورد برابری بحث شود؟ زیرا، برابری تنها یک معنا داشته اما انصاف چندین معنا در مفاهیم مختلف و در مسائل و موضوعات جهانی مشترک قانون باید برای همه افراد بشریت یکسان و برابر باشد. در جواب گفته شد که انصاف برای تعدیل برابری به کار گرفته می‌شود، زیرا برابری در مثال کسانی که قسمت بیشتری از عموماً مشترکات جهانی همانند اتمسفر را استفاده می‌کنند، قابل قبول نیست. البته در اینجا منظور از مفهوم برابری برقراری حقوق برابر برای تمام مردم و اعضا است نه برابری بار مسئولیت، می‌توان گفت اصول عادلانه عمده‌تاً اصول اصلاحی هستند که قصد اصلاح نظم اخلاقی را دارند که به واسطه اقدامات پیشین مختل گشته است. در مقابل، اصول منصفانه اصولی هستند که به آینده نظر دارند. آن‌ها به رفتارهای گذشته یا منافع گذشته و خسارات وارده توجهی نداشته بلکه به دنبال نگهداری موضوعات در آینده حداقل به شکلی که در حال حاضر به لحاظ اخلاقی مورد قبول هستند می‌باشند. بحث در خصوص این اصول در جریان مذاکرات تغییرات آب و هوایی مطرح گردید. بسیاری از پیشنهادات در خصوص تقسیم بار مسئولیت بر مبنای مسئولیت تاریخی کشورهای صنعتی صورت گرفت و بقیه براساس تفاوت‌ها و نابرابری‌های تقسیم منابع میان کشورها. به نظر می‌رسد عدالت همواره در حیطه اخلاق جای می‌گیرد، در حالی که انصاف بیشتر یک اصطلاح حقوقی است. انصاف مفهومی است فراتر از انگیزه‌های خودخواهانه است با توجه به پژوهش باید گفت انصاف درون نسلی به این معنا است که مردم نباید استانداردهای زندگی خود را با تحمیل هزینه‌ها بر زندگی دیگر افراد بالا ببرند و انصاف بین نسلی به این معنا که یک نسل نباید نسل آینده را از تأمین نیازهای‌شان محروم سازد. ایجاد تعادل میان نیازهای موجود در مقابل نیازهای آتی کار آسانی نیست. در عین حال توجه به این دو مفهوم در تلاش‌های جهانی در حفاظت از محیط زیست بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. می‌توان گفت که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت جنبه کاربردی انصاف

درون نسلی است. به‌ویژه در موقعیت کشورهای در حال توسعه و در مقابل کشورهای توسعه‌یافته در وضعیت کنونی. با این وجود، از آنجا که اصل دارای گستره وسیعی می‌باشد، چشم‌اندازهای آینده را نیز در نظر می‌گیرد. گفته می‌شود که اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، بیشتر در مورد انصاف توزیعی است. انصاف توزیعی به وضعیت اقتصادی کالاها، فرصت‌های اجتماعی و قدرت سیاسی در جامعه می‌پردازد. در روابط بین‌المللی، نیاز به انتقال ثروت و قدرت از کشورهای قدرتمندتر و ثروتمندتر به کشورهای فقیرتر را بیان می‌کند. در همکاری‌های بین‌المللی زیست‌محیطی نیز هدف انصاف توزیعی تخصیص مجدد بار مسئولیت می‌باشد تا عضوی در انجام تلاش‌های جهانی به شکل غیرمعقول بار مسئولیت را بر عهده نگیرد. حال مهم است که هدف اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت را جبران نابرابری‌های موجود باشد یا جبران و تصحیح بی‌عدالتی‌های گذشته. کشورهای توسعه‌یافته هدف اصلی را تصحیح بی‌عدالتی‌های گذشته می‌دانند در حالی که کشورهای در حال توسعه بر هر دوی آن‌ها تأکید می‌کنند و به نظر می‌رسد که هدف اصلی هر دو باشد. باید گفت توسعه پایدار، با آرمان انصاف بین نسلی یا انصاف موجود بین نسل‌ها ارتباط نزدیکی دارد. توسعه پایدار، مسئولیت هر نسل در خصوص منصف بودن نسبت به نسل آینده از طریق به‌جا گذاشتن میراثی از ثروت برای نسل آتی که کمتر از آنچه خود از نسل قبل به ارث برده نباشد را به‌رسمیت می‌شناسد. تحقق این هدف، حداقل مستلزم تأکید بر استفاده پایدار از منابع طبیعی برای نسل‌های آتی و خودداری از هر گونه خسارت غیرقابل جبران زیست‌محیطی است، متمایز است عبدالهی و اکبرپور، ۱۳۹۳: ۲۸۰). و در نهایت، علی‌رغم اختلاف‌هایی که در جزئیات و شیوه بیان، ابزارهای کشف و اعمال انصاف در نظام‌های گوناگون حقوقی و نظام حقوقی اسلام وجود دارد، مفهوم انصاف و قواعد تشکیل دهنده آن تفاوت چندانی ندارد؛ تنها تفاوت اساسی در این است که انصاف در اسلام تنها یک قاعده مشکل نیست، بلکه

بر اساس تفاوت و نابرابری در توزیع منابع بین کشورها بود (White, 2004). به نظر می‌رسد عدالت همیشه در قلمرو اخلاق است و این در حالیکه عدالت بیشتر یک اصطلاح حقوقی است. عدالت مفهومی فراتر از انگیزه‌های خودخواهانه است. بر اساس تحقیقات انجام شده، باید گفت که عدالت بین نسلی به این معناست که افراد با تحمیل هزینه بر زندگی دیگران، سطح زندگی خود را بهبود ندهند و عدالت بین نسلی به این معناست که یک نسل بر نسل بعدی تحمیل نشود. این امر آنها را از نیازهای خود محروم می‌کند. (زنجانی، ۱۳۹۰).

ایجاد تعادل بین نیازهای موجود با نیازهای آینده کار آسانی نیست. در عین حال توجه به این دو مفهوم در تلاش‌های جهانی برای حفاظت از محیط زیست بسیار مهم و حیاتی است. می‌توان گفت که اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت، جنبه عملی عدالت بین نسلی است. به ویژه در شرایط کشورهای در حال توسعه و در مقابل کشورهای توسعه یافته در شرایط کنونی. با این حال، از آنجایی که این اصل از نظر دامنه گسترده است، آینده را نیز در نظر می‌گیرد. استدلال می‌شود که اصل مسئولیت مشترک اما جداگانه بیشتر در مورد عدالت توزیعی است. عدالت توزیعی به وضعیت اقتصادی کالاها، فرصت‌های اجتماعی و قدرت سیاسی در جامعه می‌پردازد. در روابط بین الملل بیانگر نیاز به انتقال ثروت و قدرت از کشورهای قویتر و ثروتمندتر به کشورهای فقیرتر است. در همکاری‌های بین‌المللی محیط‌زیست، هدف عدالت توزیعی، توزیع مجدد بار مسئولیت است تا یک شرکت‌کننده بی‌جهت بار تلاش‌های جهانی را به دوش نکشد. آنچه اکنون اهمیت دارد این است که هدف از اصل مسئولیت‌های مشترک اما متمایز، جبران نابرابری‌های موجود، یا جبران و اصلاح بی‌عدالتی‌های گذشته است. کشورهای توسعه یافته هدف اولیه را اصلاح بی‌عدالتی‌های گذشته می‌دانند، در حالی که کشورهای در حال توسعه بر هر دو تاکید دارند و به نظر می‌رسد هدف اولیه هر دو توسعه پایدار با آرمان برابری بین نسلی

یک اصل کلی ماهوی مبتنی بر ارزش‌های اعتقادی است. و مثل سیستم‌های حقوقی دیگر، محدود به زندگی دنیوی نمی‌باشد. همین امر باعث پیوند آن با اخلاق، ایمان و عمل شده است.

### نتایج:

اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به دنبال ایجاد برابری بین کشورها نیست زیرا با کشورهای نابرابر نمی‌توان رفتار یکنواختی و برابر داشت. (White, 2004) اصل انصاف مستقیماً تعیین نمی‌کند که چگونه حقوق و وظایف باید بین اعضا تقسیم شود، اما پس از بررسی و مذاکره زیاد، با در نظر گرفتن شرایط خاص هر کشور، مذاکرات را برای رسیدن به توافق هدایت می‌کند. در واقع عدالت مفهومی بین حقوق و اخلاق است، اما تفاوت اصلی بین مفهوم عدالت و انصاف این است که عدالت بیشتر به رویه و تشریفات مربوط می‌شود، در حالی که عدالت به محتوا، به ماهیت موضوعات اختلافی می‌پردازد. در مذاکرات توافقنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی به ویژه در مورد تغییرات آب و هوا، این سوال مطرح شده است که آیا رعایت برابری بهتر است یا عدالت؟ زیرا مساوات فقط یک معنا دارد و عدالت در مفاهیم مختلف چند معنا دارد و باید در مسائل کلی جهانی و حقوقی برای همه مردم یکسان و برابر باشد. در پاسخ گفته شد که انصاف برای کاهش برابری به کار می‌رود، زیرا در مثال کسانی که مانند جو از حوزه عمومی استفاده می‌کنند، برابری قابل قبول نیست. (عادل، ۱۳۸۹). البته در اینجا مفهوم مساوات به معنای برقراری حقوق مساوی برای همه افراد است و اعضا در بار مسئولیت مساوی نیستند، می‌توان گفت اصول عدالت اساساً از اصول اصلاح است که هدف از آن اصلاح کردن اصول آینده نگر، نگران رفتار گذشته یا سود و زیان گذشته نیستند، بلکه بیشتر به دنبال حفظ چیزها در آینده هستند، حداقل به گونه‌ای که از نظر اخلاقی در زمان حال قابل قبول است. این اصول در جریان مذاکرات تغییرات آب و هوایی مورد بحث قرار گرفت. بسیاری از پیشنهادات برای تقسیم مسئولیت بر اساس مسئولیت تاریخی کشورهای صنعتی و بقیه

یا برابری بین نسلی باشد. توسعه پایدار مسئولیت هر نسل را برای عادلانه بودن در قبال نسل بعدی به رسمیت می‌شناسد و به نسل بعدی میراثی با ثروت کمتر از نسل قبلی به ارث برده است. دستیابی به این هدف حداقل مستلزم تاکید بر استفاده پایدار از منابع طبیعی برای نسل های آینده و پرهیز از آسیب های جبران ناپذیر زیست محیطی است. (عبدالهی، اکبرپور، ۱۳۹۳) در نهایت، علیرغم تفاوت در جزئیات و شیوه های بیان و نیز در ابزار کشف و اعمال عدالت در نظام های حقوقی مختلف و نظام حقوقی اسلام، مفهوم عدالت و قواعد تشکیل دهنده آن تفاوت چندانی با هم ندارند. تنها تفاوت اساسی این است که عدالت در اسلام نه تنها یک قاعده پیچیده است، بلکه یک اصل ماهوی کلی مبتنی بر ارزش های دینی است و مانند سایر نظام های حقوقی منحصر به زندگی دنیوی نیست. این امر باعث شده است که با اخلاق، ایمان و عمل همراه شود.

#### نتیجه گیری

انصاف یکی از مقتضیات اصلی یک جامعه ی نظام مند امروزی است که همواره در عرصه ی بین المللی ایفاگر نقشهای تعدیل، تکمیل و تصحیح حقوق، در قالب یک منبع حقوقی بوده است. «مفهوم مضیق انصاف بعنوان یک اصل کلی حقوق عهده دار نقش نخست و «کلخدا منشی» بعنوان راهکاری استثنایی ایفاگر نقش سوم و با وجود مناقشات بسیار نقش دوم بوده و می تواند بعنوان بازوی کمکی عدالت حقوقی در جهت نیل به عدالت واقعی مطرح گردد.

اصل مسئولیت های مشترک اما متمایز ریشه در پذیرش مفهوم میراث مشترک نوع بشر دارد. در واقع این اصل که محیط زیست زمین را به عنوان کالای مشترک می‌شناسد، از یک سو بر مسئولیت کشورها در حفاظت از محیط زیست و از سوی دیگر بر تعهدات مختلف آنها بر اساس شرایط و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه به تدریج و آهسته تأکید می‌کند. این اصل در اسناد حقوقی بین المللی محیط زیست از جمله کنوانسیون های زیست محیطی و موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نتیجه

تعهدات معاهده ای مختلفی را بر کشورهای توسعه یافته تحمیل می‌کند. تعهدات مختلف اغلب به دو صورت پیش بینی می‌شود: (۱) تعیین استانداردهای مختلف برای پیش بینی تعهدات اولویت دار و دادن زمان بیشتر به کشورهای در حال توسعه برای انجام تعهدات خود (۲). ارائه کمک های مالی و فنی برای انجام تعهدات زیست محیطی کشورهای در حال توسعه برای اطمینان از مشارکت فعال آنها در انجام این تعهدات طراحی شده است.

بنابراین، اصل مسئولیت های مشترک اما متمایز به عنوان یک تکنیک بسیار ظریف به دولت ها کمک کرده است تا برای تصویب چندین کنوانسیون بین المللی محیط زیست و در نتیجه اجرای حاکمیت قانون و توسعه حقوق بین المللی زیست محیطی گرد هم آیند. در واقع، نباید شک داشت که در غیاب حقوق و امتیازات ترجیحی ناشی از به رسمیت شناختن مسئولیت های مختلف بسیاری از کشورهای در حال توسعه، عضویت آنها در این اسناد بسیار دور از دسترس خواهد بود. علاوه بر کارکرد فنی اصل مسئولیت های مشترک اما متمایز در کنوانسیون های مذکور، از این اصل به عنوان یک اصل راهنما نیز استفاده شده است. بنیاین و اساس اصلی در اینجا انصاف است. کاربرد این اصل در این معنا به این واقعیت ختم می‌شود که نه تنها دولت های در حال توسعه مسئول بسیاری از تخریب های فعلی محیط زیست زمین نیستند، بلکه توانایی آنها در حفاظت و بازگرداندن محیط زیست به وضعیت سابق آن نیز وجود دارد و به هیچ وجه نمی‌توان آن را با توانمندی های دولت های توسعه یافته مقایسه کرد. در واقع اصل مسئولیت های مشترک اما متفاوت با عادلانه نمودن تعهدات معاهده کشورهای در حال توسعه در زمینه حقوق زیست محیطی و ایجاد تعادل در حل مشکلات زیست محیطی جهانی به تقویت توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه کمک کرده است. با این حال، اصل مسئولیت تضامنی هنوز جایگاه قابل توجهی در رویه قضایی داخلی و بین المللی پیدا نکرده است. این امر به نوبه خود می‌تواند نشان دهد که علیرغم نقش مهم و کلیدی اصل

ایجاد برابری بین کشورها نیست زیرا با کشورهای نابرابر نمی توان به یکسان برخورد کرد. اصل انصاف مستقیماً بیان نمی کند که حقوق و تکالیف چگونه بین اعضا تقسیم شود، اما پس از بررسی ها و مذاکرات فراوان، با در نظر گرفتن شرایط خاص هر کشور، مذاکرات را برای رسیدن به توافق هدایت می کند. در واقع انصاف مفهومی بین حقوق و اخلاق است، اما تفاوت اصلی مفهوم انصاف و عدالت در این است که عدالت بیشتر به رویه و عرف مربوط می شود در حالی که انصاف به محتوا، ماهیت موضوعات تفرقه افکن می پردازد

تاکید بر رابطه آن با اصل انصاف شماره ی ۱۶، نشریه ی تحقیقات حقوقی، ویژه نامه.

- عمید زنجانی، ع. (۱۳۹۰)، موجبات ضمان قهری، چ اول، انتشارات میزان.

- کیس، ا و همکاران (۱۳۹۲)، حقوق محیط زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- معرفی، س. (۱۳۹۰)، بررسی نقش اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در توسعه ی حقوق بین الملل محیط زیست، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی

وحدتی شبیری، س. (۱۳۸۸)، مبانی مسئولیت مدنی یا ضمان ناشی از تخلف از اجرای تعهد، فقه و اصول، سال چهل و یکم، شماره ۸۲/۱، بهار و تابستان .

یاوی، م، بهمنی، م. (۱۳۹۳)، مقایسه تقصیر در مسئولیت مدنی و کیفری، دو فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان .

McGhee, j, (2005), *Snell's Equity*, Sweet & Maxwell, London.

White, M. (2004). "Equity-A General Principale of Law Recognised by Civilized Nations?", Queensland Uneverisity of Technology, pp. 103-116.

Blaszczak, L. & Kolber, J. (2013). "General - Principles of Law and Equity as a Basis for Decision-Making in Arbitration", *Comparative Law Review*, Vol. 15, pp. 189-208

Caney, S. (2018). Justice and Future - ۱- Generations, *Annual Review of Political Science*, Vol. 2

مسئولیت های مشترک اما متمایز در تدوین و اجرای حقوق بین الملل محیط زیست، هنوز به هنجار عرفی بین المللی تبدیل نشده است. آنچه در مورد اصل برابری قابل توجه است این است که کاربرد و معنای آن ساده و بدون ابهام است و معمولاً باعث کاهش رقابت بین اعضا، برابری انتظارات و توافق آنها می شود، اما اصل عدالت عامل بسیار مهمی در شکل دادن به محیط است. تعهدات قراردادی آنها یک محیط چند وجهی هستند. می توان گفت این اصل در اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت به خوبی متبلور شده است. به نظر می رسد این اصل به دنبال

#### منابع و ماخذ

- بادینی، ح. (۱۳۹۲)، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.

- تاجمیری، ا. (۱۳۹۰)، حقوق مدنی، تهران، انتشارات آفرینه. - جعفری لنگرودی، م. (۱۳۹۵)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.

- دهخدا، ع. (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- ربیعا اسکینی. (۱۳۶۷)، وجه التزام در قراردادهای بین المللی. حقوقی بین المللی ۹-۴۱.

- عادل، م. (۱۳۸۹)، قواعد انصاف در نظام کامن لا. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۰، شماره ۱، ص ۱-۲  
- عبداللهی، م، معرفی، س. (۱۳۸۹). اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست. پژوهش حقوق عمومی ۲۹. ۱۹۹-۲۲۴.

- عبداللهی، م، اکبرپور، م، (۱۳۹۳)، بررسی مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین الملل محیط زیست با



## Examining the principle of joint responsibility of governments in international environmental law and its relationship with the position of the rule of fairness in Iranian law

pour Nouri<sup>4</sup>. Mir hasan riaz<sup>1</sup> - Ali Faqih Habibi<sup>2</sup> \* - Ali Mashhadi<sup>3</sup> - Mansour  
<sup>1</sup>PhD student, Department of Environmental Law, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
<sup>2</sup>PhD in Environmental Law, Associate Professor, Department of Public Law, Islamic Azad University (Tehran South Branch), Tehran, Iran, (Correspondence Officer).  
<sup>3</sup> PhD in Public Law, Associate Professor of Law, Faculty of Law, Qom University, Iran  
<sup>4</sup> Doctorate in International Law, Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University (Central Tehran Branch), Tehran, Iran

### Abstract

The principle of common but distinct responsibilities as a very subtle technique has helped governments to come together to ratify several international environmental conventions and thus enforce the rule of law and develop international environmental law. The global desire for international cooperation in the direction of environmental protection has been specified in many binding and non-binding documents of international environmental law, which can be considered as the beginning of principle 24 of the Stockholm Declaration of 1972. Equity in jurisdictions subject to English Common Law refers to a set of general rules that "govern all laws" and "all civil laws derive from it" and form the foundation of the Common Law legal system.

In this research, using the descriptive-analytical method, an attempt has been made to examine the principle of joint responsibility of governments in international environmental laws and its relationship with the position of the rule of equity in Iranian law. The basic question is that the principle of joint responsibility of governments in What is the relationship between international environmental laws and the principle of fairness, the resulting result indicates that fairness is not affected by any government law" and is everything, even beyond the law. Fairness allows the courts to act as they see fit; and apply justice in accordance with natural law Sometimes in the interpretation of the law, sometimes in filling the void of the law, and sometimes instead of the law, it is one of the examples and reflection of "just principles" and it is considered part of the rights at the decision-making level, and referring to it does not require the consent of the parties to the dispute.

Keywords: international law, environment, rule of fairness, Iranian law